

سخن سردبیر

< ذبیح‌الله کرمی  
سردبیر



# تأثیر فراگیر

گرایش‌ها و رفتارهای فرهنگی در فعالیتهای اقتصادی دارد؟ تحقیقات نشان می‌دهد که فرهنگ و تفکر سنتی هر کشور نسبت به مسائل مختلف از جمله سرمایه‌گذاری تأثیری مستقیم بر وضعیت رشد یافتگی آن کشور دارد. ما نیز از این قاعده مستثنا نیستیم. اگر توقع داریم که سطح مناسبی از رفاه داشته باشیم، باید بدانیم که بهره‌وری ما در بهترین حالت یک‌چهارم جهانی است. چرا بهره‌وری ما در کار و تولید این‌چنین اندک است؟ چرا درس بهره‌وری در زندگی را یاد نمی‌گیریم؟ زندگی که همواره این درس را برای ما تکرار می‌کند پس چرا به کنترل نقش خود در خلق بهره‌وری نمی‌پردازیم؟

بديهی است که در فرهنگ‌سازی همه قشرها، سازمان‌ها و نهادها باید مشارکت جدی داشته باشند. مهم‌ترین شاخص اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی عمل به قانون است. نقش نهادهای حکومتی در تغییرات فرهنگی و نیز عدم تخریب آن بسیار فراتر از نقش مردم است. با ضعف قانون و فرهنگ، شاخص‌های اقتصادی مورد تهاجم قرار می‌گیرد و به علت رابطه تنگاتنگ و تأثیر علی دوطرفه فرهنگ و اقتصاد، ناهنجاری‌های اقتصادی رخ نموده و دامن می‌گشاید. آن‌گاه رانت‌جویی، اقتصاد سایه، تبعیض و عدم عقلانیت و ... موجب رکود فعالیتهای اقتصادی می‌شود.

ما در حوزه کسب و کار بیش از اندازه‌ی لازم قانون داریم و این نشان‌دهنده ضعف فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پذیری است. دستگاه‌های حکومتی باور کنند که این حجم قانون‌های غیرضروری تا حد بسیار زیادی موجب تخریب فرهنگ اقتصادی است. از طرفی متأسفانه هنوز در دنیای امروز خلق و خو و رفتارمان در کسب و کار در بسیاری موارد به گونه دو قرن پیش است؛ رؤیایی و نه سخت‌کوشی، وقت‌شناسی و نه وقت‌شناسی، سرمایه‌پوشی و نه سرمایه‌گذاری و...!

باید باور کنیم که رهایی از تله مشکلات اقتصادی در وهله اول چاره‌اندیشی در بهبود فرهنگ اقتصادی جامعه اعم از مسئولان و مردم است. امید است سپهر اقتصاد کرمان، نشریه‌ای که اینک متولد می‌شود بتواند در ادامه حیات به سهم خود نقش مطلوب و قابل‌توجهی در بهبود و توسعه فرهنگ تولید، تجارت و مصرف ایفا نماید. ان شاء الله.

رفتار مردم در یک جامعه چگونگی نگرش آن‌ها به مسائل از جمله اقتصاد را نشان می‌دهد. رفتارهای اقتصادی ناشی از فرهنگ و گرایش‌های ما است. بیشتر اقتصاددانان و جامعه‌شناسان بر این باورند که فرهنگ، عامل اصلی در شکل‌گیری و ادامه حیات یک نظام اقتصادی است.

می‌دانیم که سازمان جهانی یونسکو تمرکز ویژه‌ای بر ارتباط فرهنگ و توسعه پایدار دارد، با این نظر که می‌توان با ابزار فرهنگ زمینه‌های توسعه ملی و بین‌المللی را فراهم ساخت. به راستی تأثیر شاخص‌های فرهنگی در مراحل گذار جوامع به سوی توسعه انکارناپذیر است. بسیاری از متغیرهای اقتصادی ریشه در نوع و کیفیت فرهنگ جامعه دارد. فرهنگ پس‌انداز، فرهنگ سرمایه‌گذاری، فرهنگ کار و تولید که در طول زمان در یک جامعه شکل می‌گیرد. یک سؤال اینجاست که اگر فناوری و سرمایه‌های انسانی و فیزیکی می‌تواند تفاوت‌های تا چند ده برابر در درآمدهای سرانه بین کشورها را توضیح دهد، چرا برخی جوامع به آن نمی‌پردازند؟ بدون شک عللی وجود دارد که مانع می‌شود بسیاری از کشورها نتوانند به این مهم بپردازند. آیا این علل عمدتاً موانع بنیادی و نقش مهم فرهنگ و نهادهای غیررسمی جامعه در اقتصاد نیست؟

تولید ناخالص ملی سرانه ایران در پنجاه سال پیش، بیش از ۱/۵ برابر این شاخص در کره جنوبی بوده است. حالا این کشور یک کشور بزرگ صنعتی است اما درآمد ملی ما را هنوز در وجه غالب، منابع طبیعی تشکیل می‌دهد. آیا بخشی از این تفاوت بسیار را نباید در فرهنگ اقتصادی جستجو کرد؟

کره جنوبی به الگوی مصرف، صرفه‌جویی و پس‌انداز، سخت‌کوشی، آموزش و سازمان‌دهی، کار و بهره‌وری، نظم و تشریک مساعی بسیار بها داده است، اما گویی که ما در تله بی‌فکری و ضعف فرهنگی در اقتصاد گیر کرده‌ایم. بیش از یک قرن است خود را به در و دیوار کوبیده ایم تا شاید راهی به سوی توسعه بازکنیم، اما نتیجه موردنظر عاید نشده است. آیا بر اساس فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و مزیت‌هایی که داریم به تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای اقدام کرده‌ایم؟ به‌راستی قله موفقیت کره جنوبی از چه اجزایی ساخته شده است؟ آیا می‌توان گفت که کره کور و ناگشوده توسعه ما ریشه در چگونگی